



سال پنجم / بهار ۹۵

تصویرگری جنگ عراق برساخت تصویر جنگ در مطبوعات بریتانیا و آمریکا^۱

- شهیرا فهیمی^۲، دایکانگ کیم^۳
- ترجمه: علیرضا فرزین^۴ علی شاکر^۵

چکیده

این پژوهش گزارشی است از یافته‌های یک تحلیل محتوای تصویری از مجموع ۱۳۰۵ عکس مرتبط با جنگ عراق (سال ۲۰۰۳) که در روزنامه‌های نیویورک تایمز (آمریکا) و گاردین (بریتانیا) منتشر شده‌اند. در مجموع می‌توان گفت این دو روزنامه روایت متفاوتی از جنگ داشته‌اند. وجه بی‌سابقه‌ای که در این پوشش تصویری وجود داشت، تاکید بر تلفات غیرنظامی شهروندان عراقی بود. هرچند که از تصاویر تلفات نیروهای نظامی بسیار نادر و کمیاب بود، ولی در هر حال انعکاس محدودی داشت.

واژگان کلیدی: روزنامه‌های انگلیس، چارچوب‌سازی، جنگ عراق، فتوژرنالیسم، روزنامه‌های آمریکا، پوشش جنگ

۱. این مقاله با حمایت مؤسسه ترجمان علوم انسانی ترجمه شده است.
۲. Shahira Fahmy استاد دپارتمان روزنامه‌نگاری در دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری دانشگاه آریزونا. حوزه مورد مطالعه و تحقیقات خانم فهیمی، دروازه‌بانی خبری، رسانه‌های نوین و چارچوب‌بندی تصویری اخبار است. sfahmy@email.arizona.edu
۳. Daekyung Kim دانشیار دپارتمان ارتباطات جمعی جیمز راجرز در دانشگاه ایالتی آیداهو
۴. دانشجوی دکترای علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی alifarzin62@yahoo.com
۵. دانشجوی دکترای علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی alishaker62@gmail.com

پس از جنگ اول خلیج در ۱۹۹۱ دیدیم که کلمات و تصاویر هم به بخشی از سلاح‌ها و ابزارهای نظامی و رسانه‌های جمعی نیز به بخش جدایی‌ناپذیری از صحنه نبرد تبدیل شده‌اند. (هایبرت، ۱۹۹۵) دومکه معتقد است که تصاویر خبری اطلاعات مردم را در فرآیند تحلیل و ارزیابی محیط‌های اجتماعی و سیاسی تحت تأثیر قرار می‌دهد (دامکه، ۲۰۰۲). به ویژه زمانی که از پیام‌های تصویری به شکل گسترده‌ای به عنوان محتوای نمادین برای جنگ استفاده می‌شود؛ جنگی که به واسطه شیوه‌های بصری بازنمایی می‌شود. تصاویر خبری بصری ممکن است تأثیر زیادی در شکل دادن به افکار عمومی در جریان جنگ داشته باشد (پرموته، ۱۹۹۸)

درگیری‌های نظامی اخیر در خاورمیانه (جنگ دوم خلیج فارس) یک فرصت منحصر به فرد به وجود آورده برای بررسی چگونگی پیام‌های بصری منتشر شده. پیام‌هایی که در شکل دادن به تفسیر رویدادهای خارجی، مکان‌ها و تصویر مردم موثرند. مطالعات زیادی در رابطه با چگونگی و میزان قدرت رسانه‌های جمعی در به تصویر کشیدن جنگ اول خلیج فارس وجود دارد. (گریفین و لی، ۱۹۹۵)

مطالعه حاضر به بررسی تفاوت بین پوشش تصویری مطبوعات ایالات متحده، (روزنامه نیویورک تایمز) و مطبوعات بریتانیا، (روزنامه گاردین)، در موضوع جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ می‌پردازد. در واقع به طور خاص، هدف اصلی این مطالعه، بررسی پوشش تصویری جنگ عراق در روزنامه‌های آمریکایی و انگلیسی است.

جنگ عراق نه تنها برای رسانه‌ها از راه یک برنامه فراگیر امکان پوشش خبری بی‌سابقه‌ای از یک برخورد نظامی فراهم کرد، بلکه فرصت منحصر به فردی بود برای بررسی عملکرد کاملاً متفاوت نظام‌های رسانه‌ای روزنامه‌های آمریکا و بریتانیا. همچنین فرصت مغتنم دیگری است برای بررسی چگونگی کارکرد آنها در برانگیختن سطوح مختلف حمایت عمومی مردم در مخالفت و یا حمایت از اقدام نظامی دولت‌های متبوعشان در عراق. (فهمی و ژوهانسون، ۲۰۰۵، ۲۰۰۷)

مطالعات متعددی به پوشش تصویری درگیری‌های نظامی در خاورمیانه پرداخته‌اند. در جنگ اول خلیج فارس، گریفینولی (۱۹۹۵) گزارش می‌دهد که تنها ۲ درصد از تعداد کل تصاویر استفاده شده برای به تصویر کشیدن جنگ، تصاویری از سربازان کشته یا زخمی شده ایالات متحده بوده است. در واقع این رسانه‌ها با اجتناب از به تصویر کشیدن سربازان در کیسه‌های جسد و قربانیان عراقی حملات هوایی ایالات متحده و بریتانیا، (شیلر، ۱۹۹۲ و شاو و هیل، ۱۹۹۲) و با تأکید بر پوشش خسارت مادی ناشی از جنگ، در نهایت این درگیری را به عنوان «یک امر بدون خونریزی» به تصویر کشیده‌اند. (پرنس، ۱۹۹۳: ۲۳۶)

محققان بر این باورند که نظام گزارشگری رسانه‌ها از جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ به طور قابل توجهی متفاوت از جنگ سال ۱۹۹۱ بود. برخلاف جنگ اول خلیج فارس که در قالب نظام رسانه‌ای «تجمیع اخبار» صرفاً به یک گروه کوچک از روزنامه‌نگاران اجازه دسترسی به میدان نبرد را می‌داد، در سال ۲۰۰۳ بیش از ۵۰۰ روزنامه‌نگار و خبرنگار جنگی دسترسی بسیار نزدیکی به میدان جنگ داشتند (ریک چیاردی، ۲۰۰۳). برنامه اعزام خبرنگاران جنگی این اجازه را به روزنامه‌نگاران می‌داد تا به همراه پرسنل نظامی تا حد ممکن به میدان نبرد نزدیک شوند (فهمی و ژوهانسون، ۲۰۰۵) کینگ و لستر^۷ (۲۰۰۵) در مقایسه پوشش تصویری از جنگ اول خلیج فارس با جنگ عراق تصاویر به مراتب بیشتری از صحنه نبرد را در مورد دوم یافتند. این بدان علت بود که این بار

6. media pool system

7. King and Lester

عکاسان قادر بودند به صحنه‌های واقعی نبرد نزدیک شوند و روایت‌گری کنند. در یک تجزیه و تحلیل بررسی لحن پوشش بصری از سرنگونی مجسمه صدام در ۴۳ روزنامه از ۳۰ کشور جهان (فهمی، ۲۰۰۷B)، از جمله بزرگترین روزنامه‌های ایالات متحده نظیر لس‌آنجلس تایمز، نیویورک تایمز، واشنگتن پست و شیکاگو تریبون، حاکی از به تصویر کشیدن یک دیدگاه کمتر انتقادی از این رویداد است. در مقابل روزنامه‌های بریتانیا، از جمله گاردین، تایمز و ایندپندنت، در توصیف بصری خود را از این رویداد نگاه مثبت کمتری داشتند. هر دو روزنامه مشی لیبرال و عمدتاً مخاطبان نخبه و فرهیخته دارند. (۶۷ درصد از خوانندگان گاردین از حزب کارگر حمایت می‌کنند)

چارچوب‌سازی تصویری وقایع خبری

چارچوب‌سازی به شیوه‌ای تبدیل شده که روزنامه‌نگاران از طریق آن بر جنبه‌ای از خبر تاکید می‌کند و یا تاکید اصلی خود را از روی آن جنبه بر می‌دارند. پژوهشگران معتقدند این شیوه تاکید روی جنبه‌های خاص خبر هم از تاثیرات سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک فارغ نیست (هرمن و چامسکی، ۱۹۸۸ و تاچمن ۱۹۷۸) انتمن^۸ (۱۹۹۳): ۵۲) چارچوب‌سازی را گزینش جنبه‌هایی از واقعیت مشاهده شده و برجسته‌سازی آن تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، رسانه‌های گروهی چارچوبی تعیین می‌کنند برای مراجعی که مردم برای تفسیر اتفاق‌های روزمره بکار می‌گیرند. (تاچمن، ۱۹۷۸). بدین ترتیب از منظر نظری، تحلیل چارچوب‌بندی تصویری بستری را فراهم می‌آورد برای فهم اینکه رسانه‌های خبری چه طور وقایع اجتماعی را طبقه‌بندی می‌کنند و کدام وقایع را انتخاب و کدام را کنار بگذارند. (انتمن، ۱۹۹۱) استفاده از تصاویر بصری گستره‌ای از ابزارهای چارچوب‌سازی را در بر می‌گیرد؛ ابزارهایی مانند مثال‌ها، جمله‌های مهم و توصیف‌ها (گمسون و لش، ۱۹۹۳) برای فهم معنا تاثیر تصاویر دیداری بسیار متفاوت از کلمات شفاهی است. در همین رابطه مساریس^۹ و آبراهام^{۱۰} (۲۰۰۱) هم به جنبه‌های شاخصی از تفاوت تصاویر دیداری را از یک کلمه مطرح کردند (برای نمونه، قیاس کیفی و کمی یک گزاره شفاف گرامری) که می‌تواند در جریان چارچوب‌سازی نقش متفاوت و معنای دیگری به خود بگیرد. به ویژه آنکه به خاطر زنده‌تر بودن تصاویر^{۱۱} مردم کمتر متوجه چارچوب‌سازی تصویری می‌شوند، در حالی که این امر ممکن است در چارچوب‌سازی شفاهی یا چاپی بیشتر به چشم مخاطب بیاید. (مندل و شو، ۱۹۷۳)

در بستر چارچوب‌سازی تصویری، بود یا نبود یک عکس و شرح آن به مشخص کردن تفسیر از یک واقعه کمک می‌کند (انتمن، ۱۹۹۳) شواتز^{۱۲} (۱۹۹۲) معتقد است به خاطر مشغول بودن عکاسان خبری در سازمان‌های رسمی کارهای آنان رنگ و بوی رسمی همان سازمان را دارد، در حالی که عکس‌های خبری تولیداتی قوام یافته از اجتماع هستند. بدین ترتیب عکس خبری تنها تکه‌ای از واقعیت است و این فقط قسمتی از آن چیزی است که بیرون می‌گذرد (فهمی، ۲۰۰۴) وقتی چارچوب‌های تصویری آنچه که باید روی تصاویر خوانده شود را تعیین می‌کند، زمینه‌ای را فراهم می‌آورد برای حساسیت بیشتر مخاطب و فهم درست نسبت به یک واقعه. برای نمونه، یافته‌ها نشان می‌دهد که عکس‌های خبری روی درک عمومی و واکنش موثر نخبگان نسبت به یک واقعه موثرند و تاثیر یک واقعه و میزان نگرانی نسبت به آن اتفاق را بیشتر می‌کنند. این طور که فهمی و دیگران (۲۰۰۶) می‌گویند، دو ماه پس از واقعه یازدهم سپتامبر تمام عکس‌های مربوط به این واقعه و عکس‌های مرده‌ها، خطر

8. Entman

9. Messaris

10. Abraham

11. true-to-life quality of photographs

12. Schwartz

تروریسم را هشدار می‌داد و سطح نگرانی نسبت به آن را افزایش می‌داد.

روابط میان دولت و رسانه

به طور کلی به خاطر روابط نزدیک میان امور خارجه، منافع ملی و امنیت داخلی، سیاست خارجی نقش مهمی را در نحوه پوشش اخبار بین‌المللی برعهده دارد. راشلین^{۱۳} (۱۹۹۸) در این باره معتقد است که معانی وقایع بین‌المللی در اکثر مواقع شرح دهنده چشم‌اندازها و منافع سیاسی و فرهنگی کشورهاست.

درباره اینکه آیا رسانه‌های خبری، اخبار بین‌المللی را بر اساس سیاست خارجی کشور خود تفسیر می‌کنند یا می‌سازند مطالعات زیادی صورت گرفته است. برای نمونه، ولش^{۱۴} (۱۹۷۲) پوشش خبری از هندوچین را در چهار روزنامه آمریکایی بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۶ بررسی کرد و دریافت که روزنامه‌ها با وابستگی بالایی به منابع‌شان، نقش اساسی در پشتیبانی عامه و نخبگان جامعه نسبت به پذیرش دیدگاه رسمی کشور در مورد اتفاقات مربوط به هندوچین دارند. (ولش، ۱۹۷۲: ۲۳۱) انتمن نیز دو حادثه بین‌المللی را بررسی کرده است؛ سقوط هواپیمای خطوط هوایی کره از سوی نیروی هوایی شوروی در سال ۱۹۸۳ و سقوط ایرباس ۶۵۵ ایرانی از سوی ناو آمریکایی. با وجود شباهت‌هایی میان این دو اتفاق، او دریافت که رسانه‌های آمریکایی سقوط ایرباس ایرانی را یک «مسئله تکنیکی» و سقوط ایرباس کره‌ای را «یک هتک حرمت اخلاقی» جلوه می‌دادند. در مطالعه مشابه دیگری، فهمی^(۲۰۰۷a) به تفاوت چارچوب‌بندی اخبار یازده سپتامبر و جنگ افغانستان در روزنامه‌های انگلیسی و عرب زبان پرداخت. این بررسی نشان می‌دهد که روزنامه‌های عرب زبانی مثل الحیات بیشتر به جنبه‌های انسانی و قربانیان جنگ افغان پرداخته‌اند تا خرابی‌های ناشی از حمله یازده سپتامبر و قربانیانش. در عوض رسانه‌های انگلیسی زبانی -مثل هرالد تریبون- کمتر روی قربانیان جنگ افغانستان تاکید داشته‌اند و بیشتر روی موضوعاتی مثل هدف از این جنگ، مسائل میهن‌پرستانه، زرادخانه و موضوع‌های مربوط به اسلحه و ساز و برگ جنگی مانور داده‌اند. در حمله یازده سپتامبر نیز بیشتر به قربانیان این حادثه پرداخته بود تا خرابی‌های ناشی از این اتفاق.

این پیوستگی میان اخبار بین‌المللی و منافع ملی کشورها در رسانه‌های دیگر نقاط دنیا نیز قابل مشاهده است. زارمبا^{۱۵} با بررسی پوشش خبری کشورهای غنا، انگلستان، ژاپن، سنگاپور، اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا از جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل به این نتیجه می‌رسد که درک، تفسیر و ساختار اخبار روزنامه‌های این کشورها با هم متفاوت است؛ چون بر اساس منافع و سیاست خارجی کشورشان عمل می‌کنند. در مطالعه‌ای مشابه، لی و یانگ^{۱۶} در سال ۹۵ به بررسی پوشش اخبار آسوشیتدپرس از جنبش دانشجویی چین پرداخته‌اند که همراستا با سیاست‌های خارجی آمریکا است. در حالی که خبرگزاری ژاپنی همانند کیتو نیوز^{۱۷} هیچ علاقه‌ای برای پوشش این خبر و چالش با چین از خود نشان نداد. همچنین یانگ در سال ۲۰۰۳ به تحلیل محتوای پوشش اخبار مربوط به سانحه هوایی ناتو در کزوو پرداخت و نشان داد که منافع روزنامه‌های چینی و آمریکایی در پوشش این خبر بیش از اینکه به مسائل تکنیکی روزنامه‌نگارانه توجه داشته باشند، برایشان منافع ملی مهم است. به‌طور خلاصه باید گفت که وقتی پای پوشش کشمکش‌های بین‌المللی در میان باشد و یک سر این برخورد کشوری باشد که

13. Rachlin

14. Welch

15. Zarembo

16. Lee and Yang

17. Kyoto News

با آن درگیر است، روزنامه‌نگاری سمت و سوی میهن‌پرستی می‌گیرد و روزنامه‌نگاران گرایش ملی‌گرایانه پیدا می‌کنند. (هنری، ۱۹۸۱)

ایدئولوژی سیاسی و پوشش خبری

هرچند تحقیقات نشان می‌دهد که پوشش بین‌المللی بیشتر گرایش به انعکاس خواسته‌ها و گرایش‌های درون دولت دارد، ولی همه رسانه‌ها از سیاست خارجی دولت پشتیبانی نمی‌کنند. برای نمونه، در طی جنگ سرد تمامی رسانه‌های آمریکایی از خط‌مشی وزارت امور خارجه تبعیت می‌کردند، ولی این امر همیشه نبود و گاهی ناهماهنگی‌هایی پدید می‌آمد. سال‌های اخیر هم در انعکاس اخبار سرنگونی صدام حسین چهار روزنامه آمریکایی همراستا با سیاست‌های دولت آمریکا عکس‌هایی را در رابطه با استقبال پرشور عراقی‌ها از نیروهای آمریکایی منتشر کردند، در حالی که روزنامه کریستین ساینس مونیتور^{۱۸} عکس‌های انتقادی کار کرد. (فهمی، ۲۰۰۷a)

آیا تاثیر گرایش‌های سیاسی روی نحوه پوشش تصویری یک واقعه، نقطه اختلاف میان پژوهشگران است؟ هرچند برخی پژوهش‌ها هیچ مدرکی دال بر گرایش سیاسی یک روزنامه و تاثیر آن روی پوشش تصویری نشان نمی‌دهند، برخی دیگر از بررسی‌ها خلاف این امر را ثابت می‌کنند. برای نمونه، فهمی معتقد است که این گرایش سیاسی، تاثیری بر پوشش تصویری سرنگونی صدام نداشته است. همان تصویر سرنگونی مجسمه صدام را که روزنامه دست راستی فیگارو کار کرده روزنامه دست چپی لوموند نیز در صفحه اول خود آورده است. برخی دیگر از روزنامه‌ها هم صرف نظر از گرایش‌های سیاسی خود همین تصویر را کار کرده‌اند. شاید این امر برخاسته از اهمیت واقعه نزد افکار عمومی دارد. تعدادی از پژوهشگران چنین نظری ندارند و بر تاثیر گرایش‌های سیاسی روی پوشش تصویری تاکید می‌کنند. برای نمونه وانتا و چانگ^{۱۹} (۲۰۰۱) می‌گویند که گرایش‌های سیاسی در لحن و شمایی از عکس مستتر است. آنها در بررسی تاثیر فلسفه سیاسی روزنامه‌ها روی چارچوب‌بندی تصویری دریافتند فلسفه سیاسی روی تعریف و تصویر بیل کلینتون موثر بوده است. یعنی در حالی که روزنامه‌هایی با فلسفه و گرایش سیاسی چپ سعی در انعکاس عکس‌هایی منفی از کلینتون داشتند، روزنامه‌های دست راستی تصاویر مثبتی از وی منتشر می‌کردند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که گرایش‌های سیاسی سازمان‌های خبری، فارغ از نقطه نظرات دولت در گزارش از وقایع بین‌المللی نقش بازی می‌کند. چنین امری درباره جنگ عراق هم صادق است و روزنامه‌ها فارغ از گرایش‌های دولت‌های متبوع‌شان به پوشش تصویری جنگ پرداخته‌اند.

نظام‌های رسانه‌ای در انگلیس و آمریکا

در کشورهای غربی این مفهوم بسیار مطرح می‌شود که نخستین ماموریت روزنامه‌ها در جامعه‌ای دموکراتیک فراهم آوردن شهروندانی است مطلع. آنها باید آزاد باشند و استقلال خود را در جامعه حفظ کنند. یعنی روزنامه‌ها باید فضایی بسازند با اطلاعات عینی و قابل اطمینان، تا حفظ شان حقوق عموم را تضمین و تصمیم‌گیری سیاسی آنان را تسهیل کند. برای رسیدن به این هدف رسانه‌ها باید مثل یک نگهبان عمل کنند و در همین زمینه هم هست که می‌گویند رسانه‌ها رکن چهارم دموکراسی‌اند و منتقد قدرتمند دولت.

18. Christian Science Monitor

19. Wanta and Chang

به طور کلی نظام رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی در مدل رسانه‌های جمعی انگلیسی-آمریکایی^{۲۰} دسته‌بندی می‌شود که آن را مدل آزادی‌گرا هم می‌نامند. با وجود شاخص‌های مرسوم در این نظام رسانه‌ای (همچون حرفه‌ای‌گرایی، خودگردانی و بازارمحوری) رسانه‌های نظام انگلیسی از نظام رسانه‌ای آمریکا در مورد مسائلی چون دخالت دولت، اتحادیه‌های آزاد و آزادی اجتماعی قدرتمندترند. برای نمونه قدرت شبکه پخش عمومی^{۲۱} انگلیس با شبکه‌های تجاری سطح بالای نظام رسانه‌ای آمریکا مقایسه می‌شود. سال ۲۰۰۰ مخاطبان شبکه سراسری انگلیس ۳۹ درصد بود در حالی که همین مخاطبان دو درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌داد.

تفاوت مهم دیگر میان نظام رسانه‌ای آمریکا و انگلیس میزان «تقارن سیاسی»^{۲۲} است. یعنی میزان گرایش سیاسی قابل تشخیص در خبر. رسانه‌های انگلیسی بیشتر به موضوعات از منظر سیاسی می‌نگرند. هالین و مانسینی^{۲۳} معتقدند که کثرت‌گرایی سیاسی نظام رسانه‌ای از دو مجرای بیرونی (مثل میزان خروجی رسانه‌ای و مطرح شدن نقطه‌نظرهای مختلف) و درونی (مثل تنوع مطالب خود رسانه) به دست می‌آید. در حالی که نظام رسانه‌ای آمریکا کثرت‌گرایی درونی‌اش بیشتر از کثرت‌گرایی بیرونی است، با میزان کمی از تقارن سیاسی مواجه است. در همین حال نظام رسانه انگلیس با کثرت‌گرایی بیرونی شناخته می‌شود. یعنی نظام رسانه‌ای انگلیس از طریق رسانه‌های مختلف نقطه‌نظرات متفاوت بیشتری را منعکس می‌کند. این در حالی است که روزنامه‌های انگلیسی از نظر اقتصادی به احزاب سیاسی وابسته‌اند و هر روزنامه گرایش و نظر سیاسی خودش را دارد و کاملاً در خود روزنامه هم به آن اشاره می‌شود.

نیویورک تایمز و گاردین

در بررسی حاضر از هر کشور یک روزنامه انتخاب شد؛ یعنی نیویورک تایمز و گاردین. هرچند که قرارداد یک روزنامه در یک طیف سیاسی کاری است بس مشکل، اما زمانی که آن را با روزنامه‌های دیگر مقایسه می‌کنیم، می‌توانیم به موقعیت ایدئولوژیک آن پی ببریم. هردوی این روزنامه‌ها اعتباری لیبرال دارند (هالین و مانسینی، ۲۰۰۴) به طوری که در مقایسه با دیگر روزنامه‌های کشورشان گرایش لیبرال بیشتری دارند.

به طور کلی دیدگاه‌های نیویورک تایمز در مقایسه با دیگر روزنامه‌های آمریکایی لیبرال‌تر است. این روزنامه در میان روزنامه‌های برجسته و روشنفکرانه آمریکایی نقش مهم و برجسته‌ای دارد و در تمام سال‌های انتشار، جایگاه قدرتمند خود را در عرصه بین‌المللی حفظ کرده است (کوهن، ۱۹۶۳) خیلی از مطالعات پیشین در زمینه پوشش نیویورک تایمز سراغ این رفته‌اند که نوع پوشش این روزنامه از کشمکش‌های بین‌المللی چگونه بوده است و آن را با پوشش اخبار دیگر کشورها مقایسه کرده‌اند (مثل بررسی‌های ینگ در سال ۲۰۰۳ و دیکسون در سال ۱۹۹۴) گاردین هم در جهان روزنامه‌ای مورد احترام است که می‌تواند در میان رسانه‌های بریتانیا در میان دست‌چپی‌ها دسته‌بندی شود (نشال دانیلز، ۲۰۰۴) به طوری که در میان خوانندگان بریتانیایی مخاطبان این روزنامه بسیار ترقی‌خواه^{۲۴} هستند. این در حالی است که ۶۷ درصد از مخاطبان گاردین حامی حزب کارگر و تنها ۲ درصد از آنان هوادار حزب محافظه‌کارند.

20. Anglo-America

21. Public service broadcast

22. Political parallelism

23. Hallin and Mancini

24. Progressive

پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

همان‌طور که درباره مفهوم چارچوب‌بندی تصویری گفته شد، رسانه‌ها از راه انتخاب و تاکید روی سوژه‌های تصویری، موضوعات را قالب‌بندی می‌کنند. بنابراین بررسی دقیق موضوعات تصویری و میزان استفاده از آن در یک رسانه می‌تواند دیدگاه‌های سازمانی و گزینه‌های تصویری دو روزنامه را آشکار کند. در مقاله حاضر پوشش تصویری جنگ عراق از طریق عکس‌های منتشر شده مورد بررسی قرار گرفته است.

پرسش اول تحقیق: آیا موضوعات پوشش تصویری راجع به جنگ در دو روزنامه نیویورک‌تایمز و گاردین متفاوت است؟

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که دولت‌ها از انتشار تصاویری که سبب همدردی با دشمن می‌شود، جلوگیری می‌کردند تا بتوانند افکار عمومی را هدایت کنند (الیوت و لستر، ۲۰۰۱ و پرلموتر، ۱۹۹۸) به گفته پژوهشگران عکس‌های مربوط به اجساد و زخمی‌ها به ندرت در رسانه‌های آمریکایی منتشر شده است (گریفین و لی، ۱۹۹۵، پترسون ۱۹۸۴، تسانگ ۱۹۸۴) برای نمونه، تحلیل محتوای مجلات و روزنامه‌ها نشان می‌دهد که عکس‌های مربوط به کشته‌ها و زخمی‌ها در جنگ اول خلیج فارس تنها ۳ درصد است. در جنگ اخیر خلیج فارس هم، این‌گونه است. به طوری که یافته‌های کینگ و لستر در سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد عکس‌های مربوط به کشته‌های غیر نظامی هر دو سمت جنگ بسیار محدود بوده است. خانم نیوتن (۲۰۰۱) هم معتقد است علت دورنگه‌داشتن تصویر اجساد و زخمی‌ها از دید افکار عمومی این است که امکان دارد این تصاویر از حمایت آمریکایی‌ها نسبت به جنگ کم کند. پس اگر رسانه‌ها روی موضوع اجساد و زخمی‌های آمریکایی و انگلیسی تاکید کنند، ممکن است مردم کمتر از این جنگ حمایت کنند.

پرسش دوم تحقیق: آیا پوشش تصویری تلفات انسانی و خسارات مادی در دو روزنامه متفاوت است؟

پرسش سوم تحقیق: آیا پوشش تصویری تلفات انسانی با توجه به ملیت آسیب دیدگان در دو روزنامه متفاوت است؟ پیشینه نظری به ما می‌گوید که پوشش موضوعات سیاسی و جنبش‌های اعتراضی روی آگاهی عامه موثر است. به گفته پژوهشگران ممکن است حتی پوشش اخبار سبب تحریک افکار در مقابل معترضان و علت شکل‌گیری اعتراض آنان شود. پرلموتر^{۲۵} (۱۹۹۸) می‌گوید که مشروعیت و شایستگی^{۲۶} مفاهیم تعیین‌کننده‌ای هستند. برخی معترضان ممکن است به عنوان قربانیانی شایسته و ارزشمند نگریده شوند که همراهی و همدلی را نیز برمی‌انگیزند؛ مثل دانشجویان مخالف دولت در میدان تی‌ان‌من چین. برخی ممکن است چنین ویژگی‌ای نداشته باشند، مثل دانشجویان مخالف دولت و معترض کره‌ای (کیم، ۲۰۰۰، پرلموتر، ۱۹۹۸، پرلموتر و ونگر، ۲۰۰۴) در مورد جنگ عراق هم شاید اگر رسانه‌ها از اعزام نیروهای جدید به جنگ بیشتر حمایت می‌کرد، افکار عمومی هم با آن همراه می‌شد. از طرف دیگر از آنجایی که فارغ از دیدگاه دولت انگلیس، افکار عمومی در این کشور چندان از جنگ حمایت نمی‌کرد، بنابراین ممکن است گاردین بیشتر از نیویورک‌تایمز از تصاویر ضدجنگ استفاده کرده باشد.

فرضیه تحقیق: پوشش تصویری جنگ عراق در بعد حمایت‌گری یا مخالفت با جنگ در دو روزنامه نیویورک‌تایمز و گاردین متفاوت است.

25. Perlmutter

26. Worthiness

روش تحقیق

پژوهشگران زیادی معتقدند که تحلیل محتوا روش خوبی برای تحلیل تصاویر منتشر شده است. برای بررسی پوشش تصویری جنگ عراق، عکس‌ها به دو دسته تقسیم شد.

عکس‌ها مربوط به فاصله زمانی بین ۲۰ مارس ۲۰۰۳ تا اول می‌همان سال است. یعنی از آغاز رسمی جنگ تا زمانی که بوش اعلام کرد عملیات نظامی در این کشور تمام شده است. سری اول عکس‌ها مربوط به نیویورک تایمز است و سری دوم هم گاردین. این دو روزنامه به خاطر حوزه کاری و شهرت‌شان در پوشش اخبار داخلی و بین‌المللی انتخاب شده‌اند.^۱ همچنین در تحلیل پنج روز از گزارش‌های تصویری از یک موضوع مرتبط با جنگ، یعنی سرنگونی مجسمه صدام، گاردین به خوبی نیویورک تایمز عمل نکرده و اخبار کمتری کار کرده است. برای رسیدن به نتیجه‌ای قطعی‌تر درباره روند بررسی‌های پیشین، این پژوهش سعی در مقایسه یافته‌های خود با مطالعاتی دارد که روی روزنامه‌های آمریکایی و انگلیسی کار کرده‌اند.

هر عکس خبری واحد تحلیل ماست. این عکس‌های خبری که مربوط به وقایع جنگ عراق می‌شد، کدگذاری شد. عکس‌ها بر اساس مقوله‌بندی گریفین و لی^{۲۷} کدگذاری شد. به‌علاوه اینکه به‌طور جزئی‌تر به مقوله‌هایی با عناوین خبری کوچکتر هم تقسیم شد؛ مثلاً مقوله سرنگونی مجسمه صدام. یکی دیگر از بخش‌های مهم این تحلیل تعریف هر کد بود. برای نمونه، بین عکس اعتراض جنگ و هواداران و استقبال‌کنندگان از سربازان آمریکایی فرق قائل شدیم.

۱۰۹۹ عکس مربوط به نیویورک تایمز است و ۲۰۶ عکس مربوط به گاردین^۲ که روی هم رفته ۱۳۰۵ عکس تحلیل محتوا شد. تمام عکس‌ها در این چهار متغیر کدگذاری شد: موضوع^{۲۸}، خسارات مالی و تلفات انسانی، ملیت و حامیان جنگ. هر عکس هم گروه خاصی با موضوع خاصی قرار داده شد. برخی از مقوله‌بندی‌هایی که گریفین و لی برای جنگ اول خلیج فارس ارائه شد عبارتند از: ستیز (هر دو طرف جنگ)، سپاهیان (عراقی و نیروهای ائتلاف)، تجهیزات جنگی، کشته‌های غیرنظامی عراقی، مجروحان عراقی، خسارت‌های نظامی، کشته‌های نظامیان، اسیران جنگی، رهبران سیاسی دو طرف جنگ، فرماندهان نظامی دو طرف جنگ، خسارت‌ها و خرابی‌های غیرنظامی عراق، تعداد دفعات مواجهه نیروهای ائتلاف با نیروهای عراقی، سرنگونی مجسمه صدام حسین، تظاهرات ضدجنگ در عراق و میان کشورهای ائتلاف، ناظران سازمان ملل و جست‌وجو برای یافتن سلاح‌های کشتار جمعی. در مورد خسارت‌های مالی و جانی، هر عکس در این زیرگروه‌ها کدگذاری شد: کشته، زخمی، تخریب یا از بین رفتن اموال. این کدگذاری‌ها هم به دو بخش اروپا-آمریکایی و عرب-مسلمان تقسیم شد. سرآخر نیز عکس‌ها در دسته‌های حامیان جنگ (در بین اروپا-آمریکایی‌ها و عرب-مسلمان‌ها) و مخالفان جنگ (در بین اروپا-آمریکایی‌ها و عرب-مسلمان‌ها) قرار گرفت.

دو کدگذار در این کار آموزش دیدند که هنگام دوره آموزش برخی متغیرها و زیرگروه‌ها به کار اضافه شد. پایایی یا قابلیت اعتماد^{۲۹} این کار برای ۱۳۲ عکس ۱۰٫۱ درصد از کل است. پایایی کلی این کار ۹۶ درصد و برحسب پی اسکات برای زیرگروه‌ها عبارت است از: موضوعات ۹۵ درصد، میزان خسارات مالی و تلفات انسانی ۹۹ درصد، ملیت ۹۹ درصد، حامیان و مخالفان جنگ هم ۹۹ درصد. همچنین جدول کای اسکوار رسم شد که تفاوت در

27. Griffin and Lee

28. Topic

29. Reliability

انعکاس اخبار را در دو روزنامه نیویورک تایمز و گاردین را نشان می‌دهد.

نتایج

پرسش نخست تحقیق این است که «آیا موضوعات پوشش تصویری راجع به جنگ در دو روزنامه نیویورک تایمز و گاردین متفاوت است؟» ۱۸ دسته اصلی در جدول شماره یک نشان داده شده است. برای شروع میزان فراوانی این چهار دسته تجزیه و تحلیل شد: سپاهیان آمریکایی انگلیسی و ائتلاف (۲۱,۸ درصد)، شهروندان عراقی (۲۱ درصد) رهبران سیاسی یا همان بوش و بلر (۵,۷ درصد) مواجهه نیروهای ائتلاف و عراقی (۵,۷ درصد) و سایر موارد (۵۳,۸ درصد).

همان طور که در جدول شماره یک می‌بینیم به طور کلی دو روزنامه مورد بررسی در ترسیم تصویری جنگ عراق متفاوت از هم عمل کرده‌اند (۱۷۲,۰۶۱, ۰۰۱ < p). برای نمونه درصد بالایی از عکس‌های نیویورک تایمز (۲۱,۲ درصد) به عکس‌های نیروهای نظامی ائتلاف پرداخته و یک پنجم عکس‌ها (۲۱,۲ درصد) هم به بی‌خانه‌مان شدن شهروندان عراقی پرداخته است. ۶,۴ درصد از عکس‌ها مربوط به رهبران سیاسی دو طرف جنگ است و ۶,۱ درصد نیز مربوط به مواجهه نظامی نیروهای عراقی و ائتلاف. ۲۰ درصد از عکس‌های گاردین مربوط به بی‌خانه‌مان شدن عراقی‌هاست، ۱۱,۷ درصد عکس نیروهای نظامی ائتلاف است. ۱۰,۳ درصد از عکس‌ها هم به غارت و قصرهای ریاست جمهوری صدام است.

بررسی ما نشان می‌دهد که روزنامه انگلیسی بیشتر نگران مکان‌های فرهنگی و دزدی اشیای تاریخی است در حالی که روزنامه آمریکایی چنین نیست. همچنین این دو روزنامه جنگ را به شیوه‌ای متفاوت به تصویر کشیده‌اند. از طرفی ۲۳,۹ عکس‌های نیویورک تایمز - یعنی تقریباً یک چهارم عکس‌ها - مربوط نیروهای ائتلاف است و ۳,۵ درصد آن مربوط به تجهیزات نظامی و از طرف دیگر، گاردین کمتر روی نیروهای ائتلاف متمرکز شده و فقط ۱۱,۷ درصد از عکس‌هایش مربوط به این موضوع است. ۱,۵ درصد از عکس‌های گاردین هم مربوط به تجهیزات نظامی است و ۵,۴ درصد از عکس‌ها هم مربوط به درگیری دو طرف جنگ. در حالی که نیویورک تایمز از درگیری عکسی منتشر نکرده است.

جدول فراوانی و درصد عکس‌های نیویورک تایمز و گاردین

دسته بندی‌ها	نیویورک تایمز	گاردین	جمع
نیروهای آمریکایی و انگلیسی و ائتلاف	۲۳۲ (٪۲۳,۹)	۲۴ (٪۱۱,۷)	۲۵۶ (٪۲۱,۸)
زندگی در شهرهای عراق	۲۰۶ (٪۲۱,۲)	۴۱ (٪۲۰,۰)	۲۴۷ (٪۲۱,۰)
رهبران سیاسی دو طرف	۶۲ (٪۶,۴)	۵ (٪۲,۴)	۶۷ (٪۵,۷)
رویارویی دو طرف جنگ	۵۹ (٪۶,۱)	۳ (٪۱,۵)	۶۲ (٪۵,۳)
زندگی نظامی دو طرف	۴۴ (٪۴,۵)	۷ (٪۳,۴)	۵۱ (٪۴,۴)
غارت‌ها و قصرهای صدام	۲۶ (٪۲,۷)	۲۱ (٪۱۰,۳)	۴۷ (٪۴,۰)
خسارات و تلفات	۴۰ (٪۴,۲)	۹ (٪۴,۴)	۴۹ (٪۴,۲)
فرماندهان نظامی دو طرف	۳۶ (٪۳,۷)	۴ (٪۲,۰)	۴۰ (٪۳,۴)
تجهیزات نظامی دو طرف	۳۴ (٪۳,۵)	۳ (٪۱,۵)	۳۷ (٪۳,۱)
خسارات شهرهای عراق	۲۶ (٪۲,۷)	۵ (٪۲,۴)	۳۱ (٪۲,۶)
تظاهرات مخالفان جنگ در کشورهای منطقه	۱۷ (٪۱,۷)	۱۱ (٪۵,۴)	۲۸ (٪۲,۴)
سرنگونی مجسمه صدام	۲۱ (٪۲,۲)	۷ (٪۳,۴)	۲۸ (٪۲,۴)
نیروهای عراقی	۲۱ (٪۲,۲)	۷ (٪۳,۴)	۲۸ (٪۲,۴)
اسیران جنگی	۲۳ (٪۲,۴)	۴ (٪۲,۰)	۲۷ (٪۲,۳)
تظاهرات ضدجنگ در کشورهای نیروهای ائتلاف	۲۳ (٪۲,۴)	۴ (٪۲,۰)	۲۷ (٪۲,۳)
خسارات تجهیزات جنگی نیروهای ائتلاف	۱۹ (٪۲,۰)	۴ (٪۲,۰)	۲۳ (٪۲,۰)
رسانه اخبار حرفه‌ای	۴ (٪۰,۴)	۹ (٪۴,۴)	۱۳ (٪۱,۳)
نبرد همه ملیت‌ها	۰ (٪۰)	۱۱ (٪۵,۴)	۱۱ (٪۰,۹)
مجموعه دسته‌هایی که فراوانی کمتری داشتند	۷۹ (٪۸,۱)	۲۶ (٪۱۲,۴)	۱۰۵ (٪۸,۹)
مجموع	۹۷۲ (٪۱۰۰)	۲۰۵ (٪۱۰۰)	۱۱۷۷ (٪۱۰۰)

۱۲۸ عکس متفرقه با عنوان داده شمرده نشده کدگذاری شد ($X^2 = ۱۷۲,۰۶۱, p < .۰۰۱$). $X^2 = ۲۳,۷۴۶, p < .۰۰۱$; گاردین، $X^2 = ۶۴,۰۰۹, p < .۰۰۱$ ، نیویورک تایمز)

پوشش تصویری تبعات انسانی خرابی‌ها و خسارات

در جدول شماره دو، به پرسش دوم تحقیق پاسخ می‌دهیم. «آیا پوشش تصویری تلفات انسانی و خسارات مادی در دو روزنامه متفاوت است؟» بررسی خی‌دو تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. ($X^2 = ۴۷,۱۸۷, p < .۰۰۱$) این بررسی نشان می‌دهد که نیویورک تایمز کمتر به اتفاقات تلخ و خسارات مادی پرداخته است؛ به طوری که میزان آن (۱۷,۳ درصد) در مقابل گاردین (۳۵,۵ درصد) کمتر است. برعکس انتظار ما وقتی ملیت یک اتفاق تلخ در این

روزنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفت تفاوت‌ها آماری بیشتر خودش را نشان داد. طبق جدول شماره ۳، هر دو روزنامه در عکس‌های‌شان به میزان کشته‌ها و خسارت‌های مربوط به مسلمانان عرب اهمیت داده‌اند.

جدول شماره ۲: فراوانی و درصد مربوط به تلفات جانی و خسارات مادی در دو روزنامه مورد بررسی

دسته‌بندی‌ها	نیویورک تایمز	گاردین	مجموع
کشته‌ها	۷۲ (%۶,۶)	۱۷ (%۸,۳)	۸۹ (%۶,۸)
زخمی‌ها و آسیب‌دیدگان	۶۸ (%۶,۲)	۲۶ (%۱۲,۶)	۹۴ (%۷,۲)
خسارات مادی	۴۹ (%۴,۵)	۳۰ (%۱۴,۶)	۷۹ (%۶,۱)
هیچ‌کدام	۹۱۰ (%۸۲,۸)	۱۳۳ (%۶۴,۶)	۱۰۴۳ (%۷۹,۹)
مجموع	۵۶۷ (%۱۰۰)	۸۱ (%۱۰۰)	۱۳۰۵ (%۱۰۰)

$$X^2 = ۴۷,۱۸۷, p < .۰۰۱.$$

جدول شماره ۳: فراوانی و درصد عکس‌های ملیت اتفاق تلخ در دو روزنامه مورد بررسی

	نیویورک تایمز (آمریکایی - اروپایی)	گاردین (مسلمان - عرب)	گاردین (آمریکایی - اروپایی)	گاردین (مسلمان - عرب)
کشته‌ها	۳۸ (%۶,۷)	۳۳ (%۷,۶)	۸ (%۹,۹)	۹ (%۷,۳)
زخمی‌ها و آسیب‌دیدگان	۱۹ (%۳,۴)	۴۷ (%۱۰,۹)	۴ (%۴,۹)	۲۲ (%۱۷,۷)
خسارات مادی	۶ (%۱,۱)	۳۹ (%۹,۰)	۳ (%۳,۷)	۲۷ (%۲۱,۸)
هیچ‌کدام	۵۰۴ (%۸۸,۹)	۳۱۳ (%۷۲,۵)	۶۶ (%۸۱,۵)	۶۶ (%۵۳,۲)
مجموع	۵۶۷ (%۱۰۰)	۴۳۲ (%۱۰۰)	۸۱ (%۱۰۰)	۱۲۴ (%۱۰۰)

$$X^2 \text{ for The New York Times} = ۶۴,۰۰۹, p < .۰۰۱.$$

$$X^2 \text{ for The Guardian} = ۲۳,۷۴۶, p < .۰۰۰.$$

حمایت از جنگ عراق

فرضیه بررسی ما این است که ببینیم بین این دو روزنامه در موضوع حمایت از جنگ عراق تفاوتی هست یا نه. جدول کای اسکوار به تفاوت معنادار این امر اشاره می‌کند ($X^2 = ۵۳,۶۰۲, p < .۰۰۱$). همان‌طور که در جدول شماره ۴ می‌بینید هر دو روزنامه به موضوع تظاهرات مخالفان جنگ در کشورهای ائتلاف و میان مسلمانان

و اعراب پرداخته‌اند. (نیویورک تایمز ۲،۳ درصد و گاردین ۲،۴ درصد) البته نیویورک تایمز عکسی از تظاهرات میان اعراب و مسلمانان کار نکرده و گاردین عکسی از تظاهرات مخالفان جنگ در کشورهای اروپا-آمریکایی.

یک توضیح

هرچند فرضیه اولیه این کار، بررسی تفاوت پوشش تصویری بین دو روزنامه گاردین و نیویورک تایمز است، اما نتایج دیگری نیز در بدست آمد. پس از تحلیل محتوای ۱۳۰۵ عکس که وضعیت جنگ را به تصویر می‌کشیدند تصاویر دیگری از این جنگ منتشر شد. تصاویری همچون عکس‌های نیروهای ائتلاف، اجساد شهروندان عراقی جای عکس‌های سازوبرگ‌های نظامی نیروهای ائتلاف را گرفت. عکس‌هایی که خبرنگاران جنگی و همراه با نیروهای نظامی آن را مخابره کردند. عکس‌های فوری و مستقیم از میدان نبرد کمتر خوب از آب در می‌آمد و البته چنین عکس‌هایی را می‌توان در گاردین دید. این عکس‌ها می‌تواند هم‌تراز همان دسته‌بندی گریفین و لی در جنگ نخست خلیج فارس باشد و در همان گروه بنشینند. دسته‌بندی آنها هم در سال ۹۵ برای بررسی پوشش تصویری جنگ اول خلیج فارس عبارت بود از: تجهیزات نظامی آمریکا، نیروهای ائتلاف، رهبران سیاسی آمریکا، فرماندهان نظامی آمریکا، رهبران سیاسی عراق، تجهیزات نظامی عراق. به طوری که ۵۷ درصد از عکس‌ها مربوط به همین ۶ دسته بود.

عکس شماره ۱: جمعه ۱۱ آوریل ۲۰۰۳ دونالد رامسفلد، وزیر دفاع، در کنار پل ولفویتز در اتاق جنگ پنتاگون خود را برای کنفرانس ویدئویی با ژنرال تامی فرانک، فرمانده نیروهای ائتلاف آماده می‌کنند.



عکس نیویورک تایمز - استفن کرولی

با این حال یک جنبه از پوشش عکس‌ها در جنگ دوم بی‌سابقه است و آن هم تاکید روی شان انسانی شهروندان عراقی است. معمولاً در پوشش تصویری جنگ‌ها از جنبه انسانی درگیری غفلت می‌شود (گریفین و لی، ۱۹۹۵) در بررسی حاضر اما می‌بینیم که یک پنجم عکس‌های نیویورک تایمز به شهروندان کشته شده عراقی پرداخته است. این در حالی است که به خسارت‌های مادی کمتر پرداخته شده. همچنین در دو روزنامه به تلفات اعراب مسلمان در این جنگ توجه شده است. هرچند عکس‌های مربوط به تلفات نظامیان کمتر دیده می‌شود، ولی

همچنان چنین عکس‌هایی منتشر شده است. این می‌تواند عکس‌عملی باشد به انتقادی که در جنگ نخست خلیج فارس مطرح شد. آن زمان چون عکسی از تلفات نیروهای ائتلاف کار نشد برخی از نشریات به طعنه این درگیری را «جنگ پاک»^{۲۰} لقب دادند. افزایش پوشش تصاویر مربوط به کشته‌های نیروهای ائتلاف می‌تواند نتیجه مستقیم تلاش روابط عمومی‌ها و گروه‌های فشاری دانست که سطح تکنولوژی آمریکایی‌ها و نیروهای ائتلاف را ارتقا داد تا بتوانند تصاویر محدودی از زخمی‌ها و کشته‌های خودی منتشر کنند. به عبارت دیگر از طریق نشان دادن تعداد بسیار محدودی از کشته‌های نیروهای ائتلاف ضمن حل کردن همان طعنه جنگ پاک می‌توان افکار عمومی را نیز با خود همراه کرد. ینگ (۲۰۰۳) معتقد است که منافع ملی نقش موثری در چارچوب‌بندی اخبار دارد. به طوری که از عوامل دیگری چون روندهای روزنامه‌نگاری و حرفه‌ای مهمتر است. همان‌طور که گفته شد برای ارائه تصویری از جنگ تمرکز اصلی روزنامه‌ها روی عکس‌های نیروهای ائتلاف است و کمتر به خود جنگ پرداخته می‌شود. نمونه‌اش عکسی است از شادمانی مردم عراق در خوشامدگویی به نیروهای آمریکایی. (عکس ۲) در جنگ عراق پیروزی از آن کسی بود که می‌توانست افکار عمومی را با خود همراه کند. اما در آماده سازی بستری برای حمایت افکار عمومی از این حرکت دولت‌ها گاردین متفاوت از نیویورک تایمز عمل کرده است. روزنامه انگلیسی در این میان بیشتر روی تصاویر نیروهای ائتلاف، غارت اموال موزه‌ها و شهرها متمرکز شد و کمتر به عکس‌های رهبران سیاسی انگلیس و آمریکا و استقبال عراقی‌ها از نیروهای ائتلاف پرداخت. هرچند نیویورک تایمز عکسی از نبرد و درگیری کار نکرد، اما گاردین عکس‌هایی از دل میدان را به چاپ رساند. (عکس ۳) مطالعات بعدی نشان داد که اخبار رسانه‌های مختلف داخلی از وقایع بین‌المللی‌ای چون جنگ و تروریسم تصاویر متفاوتی مخابره می‌کند.

عکس شماره ۲: چهارشنبه نهم آوریل ۲۰۰۳ - روبروی هتل فلسطین بغداد در محل سرنگونی مجسمه صدام - شاوون هاکس سرباز آمریکایی اهل آریزونا از سوی عراقی‌هایی که آمدن آنها را جشن گرفته‌اند بوسیده می‌شود.



تیلور هیکس - نیویورک تایمز

نگاهی به نحوه چینش و انتخاب عکس‌ها از سوی دو روزنامه نشان می‌دهد که دبیران سرویس عکس و عکاسان روزنامه آمریکایی از همان اول با پارامترها و استثنائاتی در به تصویر کشیدن جنگ مواجه‌اند (شوآرتز، ۱۹۹۲) که این منافع ملی (ینگ، ۲۰۰۳) و افکار عمومی روی آن تاثیر بسزایی دارد. همان طوری که پیش از این هم گفته شد اکثریت مردم انگلیس با حمله نظامی به عراق مخالف بودند در حالی که در آمریکا افکار عمومی نگاه مثبتی به پیاده کردن نیرو در عراق و ساقط شدن صدام داشت (کورتین، ۲۰۰۳) به همین خاطر است که رسانه‌های آمریکایی اخبار را در چارچوب خبری میهن پرستانه عرضه می‌کردند. برای نمونه نیویورک تایمز برای سرنگونی مجسمه صدام عکسی را کار می‌کند که شادی مردم و استقبال آنان از آمریکایی‌ها و بوسه آنان به صورت یک سرباز آمریکایی را نشان می‌دهد (عکس ۲) ولی گاردین درباره همین ماجرا عکسی لانگشات کار کرده است که تمام وقایع میدان را نشان می‌دهد در حالی که عده‌ای گوشه‌ای از آن جمع شده‌اند (عکس ۴).

درباره حامیان جنگ هم باید گفت که هیچ‌یک از دو روزنامه مورد بررسی عکسی را منتشر نکرده‌اند چه در میان کشورهای عرب و مسلمان و چه در میان اروپا-آمریکایی‌ها. روزنامه انگلیسی البته عکس‌هایی که نشانه‌ای از عکس‌العمل به جنگ در میان کشورهای عرب و مسلمان منطقه باشد، کار کرده است.

برای توضیح تفاوت پوشش تصویری جنگ عراق میان این دو روزنامه، باید میزان درگیری‌های نظامی و تاثیر افکار عمومی را نیز در نظر گرفت.

عکس شماره ۳: سربازان آمریکایی در بغداد گروهی از مردان را دستگیر کرده‌اند. این افراد مظنون به حمل سلاح و مهمات با کامیون و غافلگیر کردن سربازان آمریکایی داشتند. محلی‌ها می‌گویند این مردان عرب عراقی نیستند و از خارج آمده‌اند.



عکس از دیوید گاتن فلدنر - سرویس جهانی عکس آسوشیتد اکسپرس

کمک‌های مادی و همراهی دو کشور در ائتلاف متوازن نبود. آمریکا و انگلیس نیروهای زیادی در عراق پیاده کردند. از طرفی افکار عمومی انگلیس هم از این جنگ حمایت نمی‌کرد و به همین خاطر است که رسانه‌های انگلیسی تمایل بیشتری نسبت به نگاه انتقادی به جنگ داشتند.

همچنین رسانه‌های انگلیسی بسیار سیاسی به نظر می‌رسند. این در حالی است که نظام رسانه‌ای در آمریکا تقارن

سیاسی کمتری دارد (Hallin and Mancini:2004). گزارش‌های رسانه‌های انگلیسی بیشتر از منظر سیاسی تهیه می‌شود به طوری که روزنامه‌های انگلیسی آموخته‌ها و گرایش‌های سیاسی خاص خود را دارند و آن را در پوشش اخبار خود دخالت می‌دهند. البته نحوه پوشش رسانه‌ای در انگلیس لزوماً فقط به گرایش‌های سیاسی رسانه‌ها ربطی ندارد. همان طور که گفته شد روزنامه گاردین سعی در بکارگیری تمایلات دست چپی دارد، اما به خاطر نزدیکی‌اش به حزب کارگر و بر سر قدرت بودن این حزب در زمان جنگ عراق مواضع مشفقانه‌ای اتخاذ کرد جوری که به روزنامه‌های دست راستی هم گاهی این مواضع نزدیک شد.

عکس شماره ۴: میدان فردوس، مرکز بغداد. سرباز آمریکایی در حال تماشای
به زیر کشیده شدن مجسمه صدام با زنجیر و کمک ماشین‌های سنگین



برخی بررسی‌های مربوط به چگونگی چارچوب‌بندی اخبار خارجی در رسانه‌های داخلی نشان می‌دهد که بعضی عوامل ممکن است در تهیه و انتخاب اخبار بین‌المللی موثر باشند. عواملی همچون ایدئولوژی سیاسی، حساسیت‌های دیپلماتیک، منابع تاریخی و سازمانی و منافع ملی (لی و ینگ، ۱۹۹۵؛ ینگ، ۲۰۰۳) پژوهش‌های پیشین با بررسی نحوه پوشش اخبار مربوط به سرنگونی مجسمه صدام مدرکی نیافته‌اند درباره تاثیر گرایش‌های سیاسی آنان در نوع عکس‌های کار شده این روزنامه‌ها (فهمی، 2007b) اما در این بررسی می‌بینیم که هردوی این روزنامه‌ها با گرایش لیبرال، بر اساس فشار افکار عمومی کشورشان و میزان درگیری نظامی نیروهای‌شان در جنگ نحوه پوشش متفاوتی دارند. این تفاوت پوشش خبرهای مربوط به جنگ به عوامل همچون گرایش‌های سیاسی و اهمیت موضوع اتفاق افتاده ربط چندانی ندارد.

منابع انگلیسی:

- Altheide, D.L. (1987) 'Format and Symbols in TV Coverage of Terrorism in the United States and Great Britain', *International Studies Quarterly* 31: 76–161.
- Blackwood, R. (1983) 'The Content of News Photos: Roles Portrayed by Men and Women', *Journalism Quarterly* 60: 14–710.
- Carragee, K.M. (2003) 'Evaluating Polysemy: An Analysis of the *New York Times*' Coverage of the End of the Cold War', *Political Communication* 20: 308–287.
- Cohen, B.C. (1963) *The Press and Foreign Policy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Curtin, J.S. (2003) 'Japanese Anti-War Sentiment on Iraq in Accord with Global Opinion', *Glocom Platform: Japanese Institute of Global Communications*; at: www.glocom.org/special_topics?social_trends?20030224_trends_s28/ (accessed November 2006).
- Dickson, S.H. (1994) 'Understanding Media Bias: The Press and the US invasion of Panama', *Journalism Quarterly* 71: 19–809.
- Domke, D., D. Perlmutter and M. Sparrt (2002) 'The Primes of Our Times? An Examination of the Power of Visual Images', *Journalism* 2(3): 59–131.
- Elliot, E. and P.M. Lester (2001) 'Ethics of Patriotism: When is it OK to Break the Law?', *News Photographer* 11(56): 12–10.
- Entman, R.M. (1991) 'Framing US Coverage of International News: Contrasts in Narratives of the KAL and Iran Air Incidents', *Journal of Communication* 4(41): 27–6.
- Entman, R.M. (1993) 'Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm', *Journal of Communication* 4(43): 8–51.
- Fahmy, S. (2004) 'Picturing Afghan Women: A Content Analysis of AP Wire Photographs during the Taliban Regime and after the Fall of the Taliban Regime', *Gazette* 2(66): 112–91.
- Fahmy, S. (2005a) 'Photojournalists' and Photo-Editors' Attitudes and Perceptions: The Visual Coverage of 11/9 and the Afghan War', *Visual Communication Quarterly* 4(3)12): 63–146.
- Fahmy, S. (2005b) 'Emerging Alternatives or Traditional News Gates: Which News Sources Were Used to Picture the 11/9 Attack and the Afghan War?', *Gazette* 5(67): 400–383.
- Fahmy, S. (2007a) *Filling out the Frame: Transnational Visual Coverage and News Practitioners' Attitudes towards the Reporting of War and Terrorism*. Saarbrücken: VDM Verlag Dr. Müller.
- Fahmy, S. (2007b) 'They Took It Down: Exploring Determinants of Visual Reporting in the Toppling of the Saddam Hussein Statue in National and International Newspapers', *Mass Communication and Society* 2(10): 70–143.
- Fahmy, S. and T. Johnson (2005) 'How We Performed: Embedded Journalists' Attitudes and Perceptions Towards Covering the Iraq War', *Journalism and Mass Communication Quarterly* 2(82): 17–301.
- Fahmy, S. and T. Johnson (2007) 'Embedded versus Unilateral Perspectives on Iraq War', *Newspaper Research Journal* 3(28): 114–98.
- Fahmy, S. and W. Wanta (2007) 'What Photojournalists Think Others Think? The Perceived Impact of News Photographs on Public Opinion Formation', *Visual Communication Quarterly* 1(14): 31–16.
- ۶۱۰ THE INTERNATIONAL COMMUNICATION GAZETTE VOL. 70 NO. 6
- Fahmy, S., S. Cho, W. Wanta and Y. Song (2006) 'Visual Agenda-Setting after 11/9: Individuals' Emotions, Image Recall and Concern with Terrorism', *Visual Communication Quarterly* 1(13): 15–4.

- Fridriksson, L. (2004) 'Western Europe', pp. 211–181 in A.S. De Beer and J. Merrill (eds) *Global Journalism: Topical Issues and Media Systems*, 4th edn. Boston, MA: Pearson Allyn and Bacon.
- Gamson, W. and K.E. Lasch (1983) 'The Political Culture of Social Welfare Policy', pp. 416–397 in S. Spiro and E. Yuchtman-Yaar (eds) *In Evaluating the Welfare State: Social and Political Perspectives*. New York: Academic Press.
- Griffin, M. and J. Lee (1995) 'Picturing the Gulf War: Constructing an Image of War in *Time*, *Newsweek*, and *US News and World Report*', *Journalism and Mass Communication Quarterly* 72: 25–813.
- Hallin, D.C. and P. Mancini (2004) *Comparing Media Systems: Three Models of Media and Politics*. New York: Cambridge University Press.
- Henry, W.A. (1981) 'News as Entertainment: The Search for Dramatic Unity', pp. 58–133 in E. Abel (eds) *What's News: The Media in American Society*. San Francisco, CA: Institute for Contemporary Studies.
- Herman, E.S. and N. Chomsky (1988) *Manufacturing Consent: The Political Economy of the Mass Media*. New York: Pantheon.
- Hiebert, R.E. (1995) 'Mass Media as Weapons of Modern Warfare', pp. 26–317 in R.E. Hiebert (ed.) *Impact of Mass Media: Current Issues*. New York: Longman.
- International Press Institute (2003) 'Caught in the Crossfire: The Iraq War the Media. A Diary of Claims and Counterclaim'; at: www.freemedia.at/IraqReport2003_p2.htm#IRAQ%20WAR%20AND%20MEDIA%20DIARY (accessed November 2006).
- Kim, S.T. (2000) 'Making a Difference: US Press Coverage of the Kwangju and Tiananmen Pro-Democracy Movements', *Journalism and Mass Communication Quarterly* 1(77): 36–22.
- King, C. and P. Lester (2005) 'Photographic Coverage during the Persian Gulf and Iraqi Wars in Three US Newspapers', *Journalism and Mass Communication Quarterly* 82: 37–623.
- Kovach, B. and T. Rosenstiel (2001) *The Elements of Journalism: What Newspeople Should Know and the Public Should Expect*. New York: Three Rivers Press.
- Lee, C. and J. Yang (1995) 'Foreign News and National Interests: Comparing US and Japanese Coverage of a Chinese Student Movement', *Gazette* 1(45): 18–1.
- McLeod, D. (1995) 'Communicating Deviance: The Effects of Television News Coverage of Social Protest', *Journal of Broadcasting and Electronic Media* 39: 19–4.
- McLeod, D. and B.H. Detenber (1999) 'Framing Effects of Television News Coverage of Social Protest', *Journal of Communication* 3(49): 23–3.
- Mandell, L.M. and D.L. Shaw (1973) 'Judging People in the News-Unconsciously: Effects of Camera Angle and Bodily Activity', *Journal of Broadcasting* 3(17): 62–353.
- Messarlis, P.M. and L. Abraham (2001) 'The Role of Image in Framing News Stories', pp. 26–215 in S.D. Reese, O. Gandy Jr and A.E. Grant (eds) *Framing Public Life: Perspectives on Media and Our Understanding of the Social World*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Miller, S. (1975) 'The Content of News Photos: Women's and Men's Roles', *Journalism Quarterly* 52: 5–72.
- National Dailies (2004) 'The British Papers'; at: www.britishpapers.co.uk/natdaily.htm (accessed November 2006).
- Newton, J.H. (2001) *The Burden of Visual Truth: The Role of Photojournalism in Mediating Reality*.

- Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Patterson, O. (1984) 'Television's Living Room War in Print: Vietnam in the News Magazines', *Journalism Quarterly* 61 (Spring): 9–35.
- Perlmutter, D. (1998) *Photojournalism and Foreign Policy: Framing Icons of Outrage in International Crisis*. Westport, CT: Greenwood.
- Perlmutter, D. and G.L. Wagner (2004) 'The Anatomy of a Photojournalistic Icon: Marginalization of Dissent in the Selection and Framing of a Death in Genoa', *Visual Communication* 1(3): 108–91.
- 'Perspectives on World History and Current Events: Coalition of the Willing List, Map and Troop Numbers' (2006) at: pwhce.org/willing.html (accessed July 2006).
- Pew Research Center (2004) 'A Year of Content at Home and Abroad: 2003 Year-End Report', January; at: people-press.org/commentary/display.php3?AnalysisID=83 (accessed November 2006).
- Prince, S. (1993) 'Celluloid Heroes and Smart Bombs: Hollywood at War in the Middle East', pp. 56–235 in R.E. Denton Jr (ed.) *The Media and the Persian Gulf War*. New York: Praeger.
- Rachlin, A. (1988) *News as Hegemonic Reality: American Political Culture and the Framing of News Accounts*. New York: Praeger.
- Ricchiardi, S. (2003) 'Close to the Action', *American Journalism Review* May; at: www.ajr.org/article.asp?id=2991 (accessed November 2006).
- Schiller, H.I. (1992) 'Manipulating Hearts and Minds', pp. 9–22 in H. Mowlana, G. Gerbner and H.I. Schiller (eds) *Triumph of the Image: The Media War in the Persian Gulf. A Global Perspective*, San Francisco, CA: Westview Press.
- Schwartz, D. (1992) 'To Tell the Truth: Codes of Objectivity in Photojournalism', *Communication* 13: 109–95.
- Shaw, M. and R. Carr-Hill (1992) 'Public Opinion and Media War Coverage', pp. 57–144 in H. Mowlana, G. Gerbner and H.I. Schiller (eds) *Triumph of the Image: The Media War in the Persian Gulf. A Global Perspective*. San Francisco, CA: Westview Press.
- Sherer, M.D. (1989) 'Vietnam War Photos and Public Opinion', *Journalism Quarterly* 66: 5–391.
- Shoemaker, P. (1984) 'Media Treatment of Deviant Political Groups', *Journalism Quarterly* 61: 75–66.
- Stempel, G. (1971) 'Visibility of Blacks in News and News-Picture Magazines', *Journalism Quarterly* 48: 9–337.
- Tsang, K. (1984) 'News Photos in *Times* and *Newsweek*', *Journalism Quarterly* 3(61): 85–578.
- Tuchmann, G. (1978) *Making News: A Study in the Construction of Reality*. New York: The Free Press.
- Wanta, W. and K. Chang (2001) 'Visual Depictions of President Clinton in the International Press after the Release of the Starr Report', *News Photographer* 7(56): 13–9.
- Welch, S. (1972) 'The American Press and Indochina, 56–1950', pp. 31–207 in R.L. Merritt (ed.) *Communication in International Politics*. Urbana: University of Illinois Press.
- White House (2003) 'Coalition Members', 21 March; at: whitehouse.gov/news/releases/03/2003/4-20030321.html (accessed November 2006).
- Woodburn, B. (1947) 'Reader Interest in Newspaper Pictures', *Journalism Quarterly* 24: 201–197.
- Yang, J. (2003) 'Framing the NATO Air Strikes on Kosovo across Countries: Comparison of Chinese and US Newspaper Coverage', *Gazette* 3(65): 49–231.
- Zaremba, A.J. (1988) *Mass Communication and International Politics: A Case Study of Press Reaction to the 1973 Arab-Israeli War*. Salem, WI: Sheffield Publishing Company.

پی نوشت:

۱. به دلیل اینکه عکس‌ها در پایگاه اینترنتی نیویورک تایمز موجود نبود، بنابراین این عکس‌ها به صورت میکروفیلم از کتابخانه کنگره آمریکا در واشنگتن تهیه شده است.
۲. دلیل این تفاوت در تعداد عکس‌های دو روزنامه به خاطر این است که نیویورک تایمز به طور روزانه و میانگین بیشتر از گاردین عکس منتشر می‌کند.